

## بررسی سبک‌شناسی اشعار سیمیندخت وحیدی

اکرم جهانگیریان، منیژه فلاحی\*، رضا فهیمی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

بهار ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۱، صص ۱۸۷-۱۶۹

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6749

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** سیمیندخت وحیدی از شاعران انقلاب اسلامی است که در قالب‌های مختلف، طبع‌آزمایی کرده است. در این مقاله با رویکرد سبک‌شناسی مجموعه اشعار وی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی شده است.

**روش مطالعه:** مقاله با مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و به روش توصیفی-تحلیلی با انتخاب نمونه‌های شعری نوشته شده است. جامعه آماری تحقیق، «دیوان اشعار» شاعر میباشد.

**یافته‌ها:** اشعار وحیدی در سطح زبانی، در موسیقی بیرونی و کناری، مطابق با عروض و قافیه متداول شعر فارسی است؛ فقط در مواردی در مثنوی، همسو با تحولات وزنی مثنوی بعد از انقلاب، از اوزان بلند استفاده کرده است. در موسیقی درونی، آرایه تکرار پربسامد است که شاخصه سبکی آن در تکرار واژه و واج‌آرایی است. آمیختگی زبان ساده نزدیک به زبان گفتاری با لحن عاطفی، صمیمت گفتار، جمله‌های ساده و کوتاه، زبان وی را در سطح لغوی و نحوی به زبان زنانه نزدیک کرده است. در سطح ادبی تشبیه مفصل، اضافه تشبیهی و تشخیص، پربسامد است. در سطح فکری محتوای اشعار شامل مضامین پایداری با توصیف جنگ، وصف شهید، رزمندگان، بسیجیان، مسلمانان جهان و مضامین دینی بصورت سوگسروده و منقبت ائمه معصومین است. این دو مضمون شاخصه سبک فکری شاعر است.

**نتیجه‌گیری:** وحیدی شاعری متعهد به آرمانهای انقلاب و دفاع مقدس است که با زبانی ساده، لحن عاطفی و صمیمت گفتاری، جمله‌های کوتاه، واژه‌های عاری از تکلف متناسب با زبان زنانه، با کلامی آمیخته با انواع آرایه‌های ادبی، با تغییر محتوای قالب‌های کلاسیک در سبک فکری پایداری، مذهبی، عرفانی شعر سروده است. در موضوع عرفانی به هیوط انسان، توصیه به عدم دلبستگی به جهان و نکوهش دنیاگرایی و نفس‌اماره پرداخته است. در موضوع اجتماعی منتقد جامعه مردسالار است و مقام زن و مادر را ستایش کرده است.

تاریخ دریافت: ۲۸ دی ۱۴۰۰  
تاریخ داوری: ۳۰ بهمن ۱۴۰۰  
تاریخ اصلاح: ۱۷ اسفند ۱۴۰۰  
تاریخ پذیرش: ۳۱ فروردین ۱۴۰۱

#### کلمات کلیدی:

سیمیندخت وحیدی، سبک‌شناسی، دیوان اشعار، زبان، زیبایی‌شناسی، اندیشه.

\* نویسنده مسئول:

✉ fallahi@iau-saveh.ac.ir

☎ ۴۲۴۳۳۳۴۲ (۹۸ ۸۶+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the stylistics of Simindokht Vahidi's poems

A. Jahangirian, M. Fallahi\*, R. Fahimi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 18 January 2022  
 Reviewed: 19 February 2022  
 Revised: 08 March 2022  
 Accepted: 20 April 2022

KEYWORDS

Simindokht Vahidi, Stylistics, Poetry Divan, Language, Aesthetics, Thought.

\*Corresponding Author

✉ [fallahi@iau-saveh.ac.ir](mailto:fallahi@iau-saveh.ac.ir)

☎ (+98 86) 42433342

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Simindokht Vahidi is one of the poets of the Islamic Revolution who has experimented with nature in various formats.

**METHODOLOGY:** The article has been done with library studies and has been written in a descriptive-analytical method by selecting poetry samples. The statistical population of the research is the book "Poetry Divan" by the poet.

**FINDINGS:** Vahidi's poems at the linguistic level, in external and lateral music, are in accordance with the common prosody and rhyme of Persian poetry. Only in some cases in Masnavi, in line with the weight changes of Masnavi after the revolution, it has used high weights. With his emotional tone, intimacy of speech, simple and short sentences, he has brought his language closer to the feminine language on a lexical and syntactic level. At the literary level, detailed similes, metaphorical addition, and discernment are more common than imaginary. At the intellectual level, the content of his poems includes the themes of stability by describing war, calling for stability, describing martyrs, warriors, Basijis, Muslims of the world, and religious themes in the form of mourning and mourning for the Imams. These two themes are characteristic of the poet's intellectual style.

**CONCLUSION:** Vahidi is a poet committed to the ideals of revolution and holy defense, who with simple language, emotional tone and intimacy of speech, short sentences, words free from the proportion of feminine language, with words mixed with various literary arrays, by changing the content of classical forms in the intellectual style of stability, religious, mystical poetry has been written. In the mystical subject of the descent of man, he advises not to be attached to the world and condemns secularism and egoism. On social issues, he is a critic of a patriarchal society and has praised the status of women and mothers.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6749](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6749)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 <b>11</b>	 <b>0</b>	 <b>0</b>

## مقدمه

سرایش شعر، شیوه‌ای معمول و رسمی دارد که قرن به قرن هر شاعر موظف به رعایت آن است؛ اگرچه با تحولات جامعه‌شناسی، فرهنگی و تغییر زمانه، چارچوبهای ظاهری و درونی آن قابلیت تغییر یافته است، اما اصل زبان، بلاغت و اندیشه جزو لاینفک شعر است. هر شاعری نیز در پیروی از این اصول، شیوه بیان و اندیشه‌های ویژه خود را دارد و آن را با زبان و زیبایی‌شناسی ویژه خود بیان می‌دارد. در واقع «سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون است که لزوماً در شیوه خاصی از بیان تجلی می‌کند (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۵)؛ بنابراین بررسی اشعار شاعران از منظر سبکی، تفاوتها و تشابهات آنها را در میان شاعران دیگر آشکار می‌کند.

در این مقاله اشعار سیمیندخت وحیدی، از شاعران انقلاب اسلامی، بررسی سبکی شده است. وحیدی متولد سال ۱۳۱۲ شهرستان جهرم شیراز، از شاعران متعهد انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است که بعد از انقلاب با جدیت به شاعری روی آورد. در دوران دفاع مقدس در جبهه‌ها به شعرخوانی میرفت. فعالیت هنری و فرهنگی را بعد از انقلاب در رادیو آغاز کرد و در کنار آن به شاعری، پژوهش، تدریس، سردبیری ماهنامه کوثر، داوری جشنواره‌ها، برگزاری جلسات و غیره پرداخت.

وحیدی را در میان شاعران معاصر باید در گروه شاعران کلاسیک‌سرا قرار داد. بسامد سبکی اشعار او در قالبهای غزل، مثنوی، چهارپاره، دوبیتی و رباعی است. البته شعر نو هم سروده است؛ از منظر سبکی، گرایش به شعر نو ندارد و همانند شاعران جریان سنتگرا، به اقتضای زمانه شعر نو سروده اما غالب اندیشه‌هایش در قالب کلاسیک است. این جریان شامل دو شاخه «سنتی‌پردازان اصیل» و جریان «شعر نیمه‌سنتی» است (زرقانی، ۱۳۹۱). قالب غزل و مثنوی، دوبیتی و رباعی که بیش از نیمی از دیوان اوست، در شاخه سنتی، و قالب چهارپاره نیمه‌سنتی است، درصد اندکی از اشعارش نیز شعر نو است. البته وی انتخاب قالب را برای شعر مهم نمیداند و در مصاحبه‌ای گفته است «من معتقدم که محتوی باید خوب باشد، حالا در هر قالبی که انسان توانایی داشت، عرضه می‌دارد» (وحیدی، ۱۳۶۰: ۳۹). وی شاعری متواضع، صمیمی و مردمی است که با زبان روزمره، اندیشه‌هایش را سروده است؛ خود را در برابر شاعران بزرگ، شاعری کوچک معرفی کرده و واقف به این است که شعرش قابل برابری با بزرگان ادبیات نیست. از شاعران معاصر شعر خود را با پروین اعتصامی مقایسه می‌کند و خود را در برابر او کم‌ارزش معرفی می‌کند. در شعر «نشد» گفته است:

سعی کردم در جهان شاعری	مثل پروین جاودان باشم نشد
من نمیدانم کیم یا چیستم	هرچه گفتم این و آن باشم، نشد

(وحیدی، ۱۳۹۰: ۲۴۲)

بررسی اشعارش گویای آن است که وی سبک ویژه خود را دارد و همگام با تحولات سبکی بعد از انقلاب اسلامی شعر سروده است؛ بنابراین با هدف مشخص شدن سطوح سبکی اشعارش، دیوان او براساس مطالعات کتابخانه‌ای بررسی شده است.

## سابقه پژوهش

در تحقیقاتی که در مورد پایداری و دفاع مقدس انجام شده است، بررسی شعر وحیدی مورد توجه است. پیشینه تحقیقاتی که به موضوع این مقاله نزدیک است در موارد ذیل یافت شد:

علیپور پرویزیان (۱۳۸۸) پایان‌نامه «بازتاب دفاع مقدس در شعر سه بانوی شاعر (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، سیمیندخت وحیدی)» را در دانشگاه الزهرا دفاع کرده است. حسنخانی (۱۳۸۹) پایان‌نامه «تصویرآفرینی در شعر شاعران زن طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، سیمیندخت وحیدی، فاطمه راکعی» را در دانشگاه کرمان دفاع کرده است. ورناجی (۱۳۹۲) پایان‌نامه «سبک‌شناسی شعر شاعران زن از پیروزی انقلاب اسلامی تا دوران دفاع مقدس (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، فاطمه راکعی)» را در دانشگاه باهنر کرمان دفاع کرده است. نویسندگان از این پایان‌نامه، مقاله «نگاهی سبک‌شناسی به غزلیات سیمیندخت وحیدی» را در سال ۱۳۹۳ در مجله بهار/ادب چاپ کرده‌اند که صرفاً بررسی سبک شعری شاعر در غزل بوده و به روش تحلیل زبانی - محتوایی به تحلیل ویژگیهای بارز سبکی غزلهای این شاعر پرداخته‌اند. سورانی حیدری و همکاران (۱۳۹۸) مقاله «تحلیل مقایسه‌ای ساختار و محتوای شعر شاعران زن معاصر؛ مطالعه موردی: صفارزاده، راکعی، کاشانی و وحیدی» را در مجله فنون ادبی اصفهان چاپ کرده‌اند. رویکرد بررسی نویسندگان براساس سبک‌شناسی لایه‌ای و روش تحلیل محتوا میباید. از اشعار وحیدی کتاب «هشت فصل سرخ و سبز و مجموعه اشعار دفاع مقدس» را انتخاب کرده‌اند که دویست صفحه بوده و شامل کل اشعار وی نمیباشد و صرفاً به ساختار و محتوا توجه دارند و سطوح سبکی اشعار را بررسی نکرده‌اند. با وجود این پیشینه اندک، بررسی نشدن کل اشعار شاعر و عدم بررسی کامل سطوح سبکی دیوان وی، در مقاله حاضر مجموعه کامل اشعار وی مورد بررسی قرار گرفته است.

## سبک زبانی

### سطح آوایی

**موسیقی بیرونی و کناری:** وحیدی متناسب قالب شعری، از اوزان عروض فارسی استفاده کرده است و تنوع اوزان کوتاه و بلند در اشعارش دیده میشود. نوآوری سبکی در کاربرد اوزان ندارد و متناسب وزن موجود اشعارش را سروده است. فقط در مثنوی در چندین مورد از اوزان بلند استفاده کرده است که خاص این قالب نبود ولی بعد از انقلاب اسلامی رایج شد. در کل قالب مثنوی که در دوره معاصر کمتر مورد توجه بود، بعد از انقلاب در شعر پایداری مورد استقبال قرار گرفت. «از ویژگیهای بارز شعر انقلاب که در واقع باید آن را خدمت این سبک به ادبیات فارسی نامید، زنده کردن قالب مثنوی است» (کافی، ۱۳۷۷: ۱۹۹). توجه تازه به مثنوی با تغییر محتوا و عروض همراه بود، گرچه تغییر وزنی در دوره معاصر انجام شده بود (پورالخاص، صادقی، ۱۳۹۰: ۸۲). در شعر انقلاب بسامد سبکی یافت. وحیدی نیز چندین مثنوی در وزن بلند سروده است. برای نمونه مثنوی «امشب بهار» در وزن مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن، مضارع مثنی اُخرب مکفوف محذوف است.

امشب بهار میرسد از پشت لحظه‌ها فرمان نور میدهد انگشت لحظه‌ها

(وحیدی، ۱۳۹۰: ۶۳۳)

یا مثنوی «مرا ببخش» در وزن مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن: مجتث مثنی محذوف:

بجوش چشمه که بنیاد ما بر آب کنی تمام معصیت‌آباد ما خراب کنی

(همان: ۸۰۲)

در موسیقی بیرونی، از انواع قافیه و ردیف استفاده کرده است. در انواع واژه‌های قافیه کاربرد قوافی اسمی بیشتر است. ردیف در غزلیات بسامد دارد و در قالبهای دیگر کمتر است. انواع ردیف اسمی، فعلی، حروف، و قیود نیز مورد استفاده شاعر است از جمله: مولا (۷۸) آشنا (۸۳)، امشب (۹۷)، مرا (۵۲ / ۶۲ / ۶۳ / ۶۵)، را (۵۴ / ۵۵)، است

(۱۲۲/۱۲۳/۱۴۲/۱۴۳)، ماست (ما است) (۱۲۶/۱۲۷)، چيست (۱۶۶)، جاريست (۱۶۷)، بنويسد (۲۲۶)، دل (۳۵۸)، باران (۴۶۴)، بيايي، مي آيي (۶۲۲/۶۲۳).

**موسیقی درونی:** در موسیقی درونی انواع تکرار در شعرش بسامد سبکی دارد که بصورت تکرار واژه، حروف (واج‌آرایی) و جناس دیده میشود. در تکرار واژه، تکرار در آغاز، پایان و میانه مصرعها فراوانی دارد؛ مانند موارد زیر: لخته لخته میبارد، پاره‌های زخمت را (همان: ۴۶) / که ذره ذره به خون میکشی دام مرا (همان: ۶۲)، قطره قطره من تو را تفسیر کردم تا شدی (همان: ۴۴)، تو آیه آیه کرامت (همان: ۲۷۱)، تو لحظه لحظه تکوین گوهری مادر (همان: ۳۲۸)، غنچه غنچه میشکفتم در نسیم (همان: ۳۸۰)، شعله شعله لهیب تو را دوست دارم (همان: ۳۹۱)، که کلبه کلبه بسازم و شهرکی بکنم (همان: ۴۲۳)، از بیابانهای شرق / گردبادی برمیزد / سیاه سیاه سیاه (همان: ۸۹۶)، گفتند می‌آیی، می‌آیی شک ندارم (همان: ۳۹۴)، به زخم زخم دلم هیچ هیچ مرهم نیست (۲۲۲)، زمین ز مرگ، مرگ از زمین نه پروا کرد؟ (همان: ۲۰۹).

**واج‌آرایی:** ما را و سرنوشت و شب و دشمن (همان: ۹۶)، به شهر شادیت، خورشید عالمتاب بنشیند (همان: ۹۷)، بجز غروب غریب غربت برای من آشنا نمانده (همان: ۵۳۸)، به خور و خواب خویش مسروری (همان: ۷۹۱).

## جناس

رمز / راز، رویایی / بویایی

رمز و رازی دارد از فصل شکوفایی درخت تا ز رویایی و بویایی نشان داد بهار (همان: ۳۱۸)

باغ/داغ: باغ تو پر از لاله داغ است کجایی (همان: ۴۶۰)

پاک/تاک: منعکس با خون پاک تاک کن (همان: ۴۸۷)

**سطح لغوی:** زبان شعر وحیدی ساده است و هر مخاطبی میتواند براحتی با شعرش ارتباط برقرار کند. واژه‌های دشوار، آرکائیسیم، کاربرد اصطلاحات مختلف در آن فراوانی ندارد. از منظر سبکی شعر او را میتوان در حوزه زبان زنانه معرفی کرد. اگر با متغیر جنسیت و جامعه‌شناسی زبان، شعر وحیدی را بنگریم و به سبک‌شناسی ارتباط دهیم، گفتار زنانه در زبان شعرش پیداست؛ اگرچه «میتوان گفت زبان زنانه وجود ندارد اما نمیتوانیم منکر وجود گفتار زنانه یا گونه کاربردی زنانه در زبان فارسی باشیم» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۰). مهمترین شاخصه زنانگی اشعارش، صمیمیت، نزدیکی به لحن گفتار و استفاده از واژه‌های روزمره زنانه است. «صمیمیت بیشتر بویژه در جمع همجنسان، از ویژگیهای گونه زبانی زنان است» (مختاری و درخشان، ۱۳۹۴: ۱۱۱). در تعاملات زبانی نیز، توانش عاطفی در شعر وحیدی بسامد بیشتری دارد. این توانش که سبب اثرگذاری بیشتر بر شریک گفتمانی و جذب مخاطب میشود در آثار زنان کاربرد بیشتری دارد (شعیری و ترابی، ۱۳۹۱: ۴۴). برای نمونه در ابیات زیر در وصف انتظار ظهور امام زمان (عج) زبانی ساده دارد و با لحن گفتاری و عاطفی که صمیمت را نشان میدهد، گفته است:

من همان شاعرم که یک عمرست	عاشقم	عاشق	شما	آقا
دارم از انتظار میمیرم	جان	زهر	بیا	آقا

(وحیدی، ۱۳۹۰: ۷۵)

در ابیات زیر زبان گفتاری و لحن صمیمی گفتگوی زنانه واضح است:

«آقا خوش آمدید چرا تنها/ اهل و عیالتان به کجا رفتند/ قابل نبود کلبه من آقا/ اینجا هنوز هست کمی لبخند/ یک استکان چای که قابل نیست/ اینجا ده است جای تعارف نیست/ این چشمهاست جای قدمهاتان/ اینجا که سرزمین تکلف نیست» (همان: ۸۴۴).

در ابیات زیر با لحن گفتاری و انتخاب واژه‌های متداول جامعه، اندیشه‌اش را بازگو کرده است:

توی مغازه، سمت خیابان، پیاده‌رو هر جنس نو و کهنه که در دگه دید خواست  
رنگ سیاه، قهوه‌ای، آبی هرآنچه بود با یک نگاه هرچه سیاه و سپید خواست  
شیطان برای شادی او خنده میکرد وقتی که مرد خنده شیطان شنید خواست  
(همان: ۱۰۰)

عامیانه‌سرایي و کاربرد واژه‌های عامیانه نیز در سطح لغوی شعر او دیده میشود؛ مانند موارد زیر:  
شیطان اگرچه قافیهِ را جور کرده بود (همان: ۶۷)، رفت ما را از آب از سر، چاره چیست؟ (همان: ۱۶۶)، زمین به وسعت یک آسمان دهان واگرد (همان: ۲۰۹)، خندان‌کرده اگر کرده‌ای فراموشم (همان: ۴۱۰)، امشب عزا عزاست، چه خاکی به سر کنم (۴۲۶)، سر سرمستی ما را همه‌جا جار زدند (همان: ۶۷۷).

واژه‌های مربوط به رنگ و عناصر طبیعت، در شعر او بسامد دارد. واژه‌های باغ، باغچه، بهار، گل و درخت مکرر است که با لحن صمیمی زنانه بیان شده است. از واژه‌های زنانه، واژه آینه پربسامد است. استفاده از رنگ نیز شاخصه‌ای برای زبان زنانه است و جزئی‌نگری در کاربرد نام رنگها در زبان آن مشخص است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۵). تکرارهای متعدد اسامی رنگها در شعرش بسیار است. در رنگها نیز رنگ سبز را بیشتر استفاده کرده است. در نامگذاری عناوین شعری مثل خطبه‌ای سبز (۷۲)، اشک ارغوانی (۷۸)، آیه‌های سبز (۱۰۵)، چکامه سبز (۲۲۵)، چفیه‌های سرخ (۲۹۳)، شانه سبز بهار (۳۲۳)، غزلی سبز (۴۷۱)، روح سبز خیال (۵۲۸)، غزل سرخ دل (۵۶۰)، معنی سبز شدن (۶۸۴)، بهار سبز قرآن (۷۱۱)، امواج سبز دریا (۸۵۱) از رنگها استفاده کرده است. در داخل اشعار نیز مکرر از رنگها استفاده کرده است، برای نمونه در بیت زیر گفته است:

مثل یک رنگین‌کمان، در طیف عشق زرد، آبی، ارغوانی می‌شوم  
(همان: ۴۴۴)

گامه‌های سبز و دستی مهربان دارد بهار (همان: ۳۱۸)، اینک نشسته سرخ و تماشایی (همان: ۶۱۸)، امشب پیام سبز خدا میرسد به خاک (همان: ۶۳۳)، رفته بودم به عالمی دیگر/ غافل از سبز و زرد و سرخ و سیاه (همان: ۸۵۴). واژه‌های عربی هم در شعر او تکرار شده است اما واژه‌های آشنای متداول در زبان مردمی هستند و واژه دشوار ندارد؛ مانند «امن یجیب» (۱۸۹/ ۴۰۲/ ۴۴۴/ ۳۹۱)، «والضحی» (همان: ۴۰۵)، «هل اتی» (۶۳۱)، «من عند علم الکتاب» (۷۰۵)، «لا اله الا الله» (۷۳۲).

ترکیب‌سازی در شعرش تنوع سبکی ندارد و شاعر به ساخت ترکیبهای تازه علاقه پیدا نکرده است. موارد زیر را میتوان نمونه آورد:

«بلا بالا» (۳۸/ ۴۱)، «گل‌آذین» (۱۰۳)، «خنده‌پیما» (۱۰۹)، «گلکده» (۱۹۵)، «گلفشان» (۳۱۸)، «غبارستان» (۳۲۰)، غریبستان، صبحستان (۴۴۵)، «شب‌کوچه» (۴۱۶)، «سخت‌باور» (۴۶۷)، دردآوا (۶۲۹)، غم‌آوا، بهارآوا (۷۲۳).

ترکیبهای وصفی با واژه‌ه‌هورا در دیوانش تکرار شده است مانند موارد زیر:

عطر اهورایی (۱۳۴)، نور اهورایی (۱۶۷)، جلوۀ اهورایی (۶۱۵)، دست اهورایی (همان: ۴۶۱)، خورشید اهورایی (۷۲۷).

**سطح نحوی:** در سطح نحوی، جمله‌های ساده و کوتاه شاخصه سبکی شاعر است، با نگرش زنانه به گفتار زبانی شاعر میتوان بیان کرد سطح نحوی شاعر نیز تحت تأثیر زبان زنانه است. فتوحی در بررسی سطح آوایی زبان زنانه گفته است «برخی کاربردهای نحوی پربسامد در گفتار زنان عبارتند از: جمله‌های ساده، جمله‌های هم‌پایه، وجه عاطفی، حذف و قطع جمله‌ها» که در آثار زنان فراوانی دارد (همان: ۴۰۶ - ۴۰۸).

مورد دیگر آوردن «واو» در آغاز مصرع دوم است که مکرر در اشعارش دیده میشود مانند نمونه‌های زیر:

کسی بست انگار بال و پرم را / و کوبید بر سنگ حسرت سرم را  
(وحیدی، ۱۳۹۰: ۵۵)

دلَم مثل دریای طوفانی است / و بر ساحلم شور پنهانی است  
(همان: ۱۵۰)

دگر برای نجات شما امیدی نیست / و میشوید به نکبت دچار، حتی تو  
(همان: ۵۱۰)

غمی به وسعت عالم به پیش رو داریم / و غافلیم از این روزگار حتی تو  
(همان: ۵۱۱)

موارد دیگر: «۲۸۶، ۴۱۶، ۴۸۵، ۶۳۷، ۶۷۲، ۶۷۷، ۷۳۱، ۸۷۹».

### سطح ادبی

در سطح ادبی، وحیدی از آرایه‌های متداول ادبیات فارسی استفاده کرده است. تشبیه بیشترین بسامد را دارد. از انواع تشبیه، تشبیه بلیغ بصورت اضافه تشبیهی و تشبیه مفصل در شعرش تکرار شده است. در تشبیه مفصل، تشبیه ساده آورده است و موارد تشبیه عقلی به عقلی، تشبیه خیالی و وهمی یافت نشد. موارد زیر برای نمونه انتخاب شده است:

روز و شب چون بید مجنونم پریشان، آی باران (همان: ۴۶۴)، مثل دریا پر ز طوفانم تو ای خورشید عشق (همان: ۴۸۶)، من و تو مثل ماهیهای خوشرنگ / روان در برکه‌های آشنایی (۸۱۹)، ولی چه حیف / رازهای ناگشوده / رمزهای مبهمی که هیچ گاهشان / نیازموده‌ام / مثل یک ستون سخت / سر بر آسمان کشیده / در برابر من است  
(همان: ۹۱۱ - ۹۱۲).

موارد دیگر: (۹۴ / ۱۲۰ / ۱۳۱ / ۱۵۰ / ۲۰۰ / ۲۳۰ / ۲۵۲ / ۲۶۸ / ۲۶۷ / ۳۹۵ / ۴۱۰ / ۴۳۹ / ۴۸۶ / ۴۶۴ / ۵۲۷).

در کاربرد عناصر تشبیه، اغلب از واژه‌های پیرامونش استفاده کرده است، برای نمونه با گرایشی مذهبی که در شعر دارد، در شعر «مردم خوبم» در توصیف مردم، قلب را مسجد و مردم را ربنای مسجد گفته است:

برای باغچه خاطرَم همیشه گلند / برای مسجد قلمم چو ربنای هستند  
(همان: ۲۵۶)

یا در بیت زیر اهل دل را توصیف کرده و به کائنات مانند نموده است:

پر میزنند مثل ملانک در آسمان / مانند کائنات صبورند اهل دل  
(همان: ۳۶۰)

از انواع تشبیهات شکلی، تشبیه جمع بسامد دارد:

مثل موج و مثل دریا مثل طوفان گریه کردم  
(همان: ۳۸۴)

تا که خواندی نام زهرا را، چو باران گریه کردم

مثل بهار و عطر و نسیمند شاعران  
(همان: ۴۶۵)

مثل مسیح و نوح و کلیمند شاعران

میتوان مثل چشمه شد، جوشید/ میتوان مثل رود، جاری شد/ یا که سرسبز و خرم و شاداب/ مثل یک جنگل بهاری شد (همان: ۸۴۲).

کاش من هم مثل یک عشق بزرگ / در دل هر ذره‌ای جا داشتم / مثل خورشیدی در آن سوی خیال / می‌گرفتم اوج تا پا داشتم (همان: ۸۵۰).

اضافه تشبیهی، تقریباً در هر دو شعر آمده است. آنچه در شعر او شاخص است، علاقه شاعر به کاربرد واژه «باغ» در این نوع تشبیه است؛ مانند موارد زیر:

باغ چشمان، باغ خاطر (۶۳) باغ عشق (۸۶/ ۲۴۰/ ۵۶۳)، باغ سینه (۹۳)، باغ رخسار (۱۷۸)، باغ رؤیا (۱۵۲)، باغ دل (۲۱۶/ ۲۵۶/ ۹۹۰)، باغ دلتنگی (۲۴۰)، باغ باور (۲۴۲)، باغ هستی (۲۷۲)، باغ زندگانی (۴۴۴)، باغ جان (۴۸۶)، باغ غزل (۳۰۸/ ۵۹۸)، باغ دین (۷۹۰)، باغ عالم (۶۷۴/ ۶۷۵).

یا با واژه «شهر» و «ابر» بسیار تشبیه ساخته است از جمله: شهر نگاه (۵۸)، شهر غم (۷۵۰)، شهر دل (۷۸)، ابر خیال (۶۵)، ابر غم (۱۳۰/ ۶۲۷)، ابر شوق (۱۸۴)، ابر چشم (۴۱۵).

در استعاره، استعاره مصرحه کم‌بسامد است. در این مصرع زاله استعاره از اشک است: بیا که زاله بباریم مثل ابر بهار (همان: ۷۵۰).

اما تشخیص و اضافه استعاری بسامد بیشتری دارد مانند: ضمیر گل ز قنوت بهار سرشار است (همان: ۱۶۷)، هنوز پیکر شهرم پر از تب زرد است (همان: ۶۴۰)، گلی شهر چو تندر، خروش سر میداد (همان: ۶۷۱)، ولیک قامت شب را شکستند آری (همان: ۷۳۱)، تابیده بر اندام شب خورشید نامت (همان: ۷۵۱)، گردن من در دهان داس بود (همان: ۷۳۹)، شب آن شب ضجه میزد در سیاهی (همان: ۸۰۵) دوباره پنجه ستم جنایت آفرید (همان: ۶۸۵) کاش نبض قدر هر شب میتپید (همان: ۷۰۳).

کاربرد کنایه هم با بسامد متوسط در شعرش دیده میشود که صرفاً کنایه‌های ساده و متداول ادبیات هستند که اغلب کاربرد عامیانه دارند مانند: خیمه زد هر شب نگاهم جاده را (همان: ۶۸۱)، پیله مکن اینقدر به آزارم (همان: ۳۹۶) / بخواه آنچه بخواهی تو، حلقه در گوشم (همان: ۴۱۰)، ز عمر بی سحر و بی ستاره سیر شدیم (همان: ۴۴۹)، در ماتم عشق خون بباریم کم است (۸۶۹).

نماد نیز نمونه‌های اندکی در شعرش دارد و از چندین نماد تکراری ادبیات پایداری استفاده شده است؛ برای نمونه در شعر «مویه‌خوانی» اندوه رفتن شهدا را دارد و آنها را با نمادهای شقایق، لاله، کاج، و سرو خطاب میکند (همان: ۲۲۲).

در مصرع زیر کرکس نماد دشمن است:

دوباره کرکسان پیر دم گرفته‌اند  
هجوم را به شهرها ز سر گرفته‌اند  
(همان: ۶۸۵)



در اینجا لاله نماد شهید است: آه داغ لاله‌ها بسته ره نفس، مرا (همان: ۴۳).

شب در این مصرع نماد ظلم و ستم است: هر قطره خونت در دل شب چلچراغ است (همان: ۷۵۱)  
 در حوزه بدیع، آرایه سیاقه‌الاعداد شاخصه سبکی دارد و همانند انواع تشبیه در شعر او مکرر آمده است. مواردی از جمله در صفحات (۵۱/ ۱۲۱/ ۲۴۴/ ۲۶۸/ ۳۳۱/ ۱۲۸/ ۱۶۹/ ۱۷۴/ ۱۸۴/ ۲۰۰/ ۲۳۰/ ۳۳۹/ ۳۴۴/ ۳۴۵/ ۳۵۶/ ۳۷۱/ ۴۱۲/ ۴۴۳/ ۴۴۱/ ۴۵۱/ ۵۴۰/ ۵۵۵/ ۷۷۷/ ۸۵۲/ ۹۰۲/ ۹۴۲ و...) قابل بیان است.

خلاقیت شاعر در کاربرد این آرایه دیده میشود و گاه آن را بصورت مراعات‌النظیر آورده است:

در چمنهای محبت دم به دم گل میشکفت / رنگ زرد و سبز و سرخ و ارغوانی خوب بود  
 (همان: ۲۷۰)

سوسن و نسرين و سنبل، سوری و یاس سفید / لاله و گل، کاروان در کاروان دارد بهار  
 (همان: ۳۱۸)

با خرس و خوک و کرگدن اینجا چه میکنی / در این شب عقیم و درین ظلمت عظیم  
 (همان: ۶۰۵)

گاه در سیاقه‌الاعداد، با واج‌آرایی، موسیقی درونی ایجاد کرده است:

مثل درختهای کهن، مثل نخلها / با شوق و شور و شوکت و فرّ سبز میشود  
 (همان: ۲۸۸)

وای از این پلنگهای وحشی ره‌اشده / با شب و شراب و شور و شحنه آشنا شده  
 (همان: ۵۳۶)

شب و شرعی و شبنم و شوق و شور / چه نوری میتابد از راه دور  
 (همان: ۶۵۶)

از آرایه‌های دیگر نیز نمونه‌های متعدد دیده میشود اما همانند سیاقه‌الاعداد شاخص نیست.

**ایهام:** در بیت زیر واژه «صفا» در معنی صفا و صمیمت است؛ اما با نام صفا (کوهی در مکه) با مروه (نام کوه) تناسب دارد:

صفا به مروه الهام خود نمیباشی / به هر نفس که هوسهای چنبری داری  
 (همان: ۵۶۳)

در مصرع زیر دست کج کنایه از دزد است اما واژه «کج» با «راست» ایهام تضاد دارد:  
 دست کج را کاش میشد راست کرد (همان: ۶۳۰).

در بیت زیر «خط مقدم» ایهام دارد. منظور خط مقدم جبهه است اما با خط پایانی ایهام تضاد دارد:

خدا خواست یک لحظه در خط پایان / به خط مقدم گره خورده باشی  
 (همان: ۵۵۸)

### تلمیح

آه ای کلیم عشق به سینای روزگار / پیدا نشانی از ید بیضا نمیشود  
 (همان: ۲۹۱)

بلوغ صبح صادق، آسمانت را فراگیرد / نشانی از ید بیضای موسایی شوی امشب  
 (همان: ۹۷)

قوم ضحاکان چه می‌خواهند از اولاد پیغمبر  
کینهٔ نانجیان کرده آشوبی بپا در باد  
(همان: ۱۹۴)

صبر ایوب را هم با تو امکان‌پذیر است  
نشکند گر گه طوفان، بالهای صعوم  
(همان: ۳۸۷)

**حس آمیزی:** ای باور سبز من به سویم برگرد (همان: ۸۶۹)، روی دستش رد پای بوسهٔ سبز نبی (همان: ۳۰۹)، خواستم در باغ باورهای سبز (همان: ۲۴۲)، شبی از سمت بهار، ای نفس سبز بیا (همان: ۵۶۲).

**مبالغه:** دو چشم من شده دریا به شوق ای دریا (همان: ۹۴)، باز اشکم رود شد دریا کجاست (همان: ۱۱۳)، به وسعت عطش، صد جهان عطش افزود (همان: ۲۳۱).

**ترادف:** هیچکس تشویش و ترس از دزد و ناامنی نداشت (همان: ۲۷۰)، باز ما را پوچ و خالی دست ماند (همان: ۷۵۵)، کجا بودش هراس از خار و خاشاک (همان: ۷۹)، به شام تیره و تاریک (همان: ۷۸)، این فغان و شور و واویلا کجاست (همان: ۱۱۳)، به باغ عشق و محبت صنوبری دارد (همان: ۵۶۳).

**تضاد:** ببین فراز و فرودم خدا به خیر کند (همان: ۲۶۰)، با تو ای تو یک سر در قیام و قعودم (همان: ۳۸۷)، روز و شب چون بید مجنونم باران، نذر فتوای نگاهت میسرایم شادی و غم (همان: ۴۶۴)، هی صلح و قهر این دگر ناگهان ولی (همان: ۵۸۹).

### سبک فکری

وحدیدی شاعری است که با اندیشه‌های ویژهٔ خود، در گروه شاعران دفاع مقدس بالید و در کنار آن اندیشه‌های مدارانه و زنانه‌اش را بیان کرد. وی نسل فردا را به خواندن اشعارش دعوت کرده است و از آنها می‌خواهد اندیشهٔ او را تفسیر کنند:

تو ای نسل فردایی‌ام چشم بگشا  
بخوان صفحهٔ آخر دفترم را  
ببین با نگاهی درخشان چو خورشید  
خروشنده دریای پرگوهرم را  
مروری به دنیای اندیشه‌ام کن  
به تفسیر بنشین گل باورم را  
(وحدیدی، ۱۳۹۰: ۵۶)

محتوای اصلی دیوانش در حوزهٔ ادبیات پایداری است. همچون شاعران هم‌دوره‌اش از قوالب غزل و مثنوی برای پایداری استفاده کرده است؛ زیرا بعد از انقلاب این قالبها همسو با آرمانهای انقلابی و دفاع مقدس، تغییر محتوا یافت (اکبری، ۱۳۷۱: ۱۱). در پایداری نیز مضامین مذهبی و دفاع مقدس شاخصهٔ سبکی دارد اما موضوعهای غنایی، عرفانی، اجتماعی، اشعار مناسبتی و متفرقه در دیوانش وجود دارد که هرکدام با ذکر نمونه‌های شعری بررسی می‌گردد.

**مضامین مذهبی:** شعر مذهبی در ادبیات معاصر جزو یکی از مضامین اصلی بود که حتی با ورود امواج مدرنیته کم نشد و در دیوان اغلب شاعران متعهد دیده می‌شود اما بعد از انقلاب اسلامی از نظر سبکی، بسیار رایج شد و وحدیدی نیز همسو با آرمانهای انقلاب اسلامی، شعر مذهبی را مورد توجه قرار داد. تقریباً ۴۰ درصد اشعار وی موضوع مذهبی دارد و او را باید در زمرهٔ شاعران مذهبی قرار داد. در این محتوا، مضامینی از جمله توصیه به قرآن خواندن مانند اشعار «عرصهٔ ترتیل» (۱۷۷)، «بهار سبز قرآن» (۷۱۱)، «قرآن بخوان» (۶۹۹)، توصیف اعیاد و

مناسبه‌های مذهبی مثل عید مبعث، عید قربان مانند شعر «عید بزرگ قربان» (۱۲۸)، «توصیف ماه مبارک رمضان» (همان: ۴۵) و سوگ‌سروده و منقبت برای شخصیت‌های دینی بسامد سبکی دارد. در مورد پیامبر اکرم (ص) اشعار: «رنگ طاها» (۱۱۸)، «ای آیه تطهیر» (۱۸۸)، «چشمانت» (۱۹۰)، «خاک بر سر کن» (۲۳۶)، «نذر حضرت خدیجه» (۳۳۰)، و «مقام عشق» (۶۳۱). درباره حضرت فاطمه زهرا (س) اشعار: «خطبه سبز» (۷۲)، «جود بیکران» (۱۱۶)، «بهارمان زهراست» (۱۱۷)، «غمی مثل کوه» (۱۵۷)، «ترنم‌های یاس» (۲۰۶)، «بانو» (۲۲۴)، «نذر حضرت فاطمه معصومه» (۷۹۹)، و «ماتمی سنگین» (۸۰۵).

درباره امام علی (ع) اشعار: «یا مولا» (۷۷)، «اشک ارغوانی» (۷۸)، «مولا» (۸۰)، «نور خشم علی (ع)» (۱۴۷)، «شادی مولا» (۱۶۸)، «نمی‌آید» (۳۰۲)، «آینه کردار» (۴۶۰)، «گریه محراب» (۴۹۳)، «راز خلقت» (همان: ۷۱۸)، و «افسوس» (۱۹۹).

درباره امام حسین (ع) و واقعه عاشورا: اشعار «کاش بودم» (۴۶)، «فریاد عاشورا» (۹۸)، «دریا» (۱۱۵)، «عبور گرگها» (۱۴۰)، «هفتاد و دو خورشید» (۱۹۲)، «هجرت سرخ» (۱۹۳)، «رها در باد» (۱۹۴)، «داغ یک خورشید» (۲۱۹)، «گل‌های لب‌تشنه» (۵۲۷)، «خونین‌ترین حماسه عشق» (۵۳۳)، «یا حسین بن علی» (۷۸۴)، «گلوی پاره» (۷۱۵).

درباره حضرت ابوالفضل (ع): شعر «غصه عشق» (۲۲۰)

درباره حضرت زینب (س): اشعار «سفیر استقامت» (همان: ۴۱)، و «زینب» (۱۶۳).

درباره امام رضا (ع): اشعار «بهانه درمان» (۱۳۸)، «غزل در آینه» (همان: ۲۳۰) و «یا علی بن موسی الرضا» (۲۵۴). درباره امام زمان (عج) اشعار: «بیابا آقا» (۷۶)، «من و این انتظار» (۷۶)، «منجی» (۹۵)، «انتظار غریب» (۹۹)، «تصویری از اضطراب» (۱۰۶)، «خدا کند تو بیایی» (۱۲۱)، «حصار انتظار» (۲۵۳)، «حریر ذهن» (۲۵۵)، و «پشت پنجره انتظار» (۵۴۲).

در شعر دینی شاعر مخاطب را به پیروی از دین، قرآن و ائمه معصومین توصیه کرده است. در مثنوی «بهار سبز قرآن» در ارزشمندی کلام الهی و توصیه به قرآن خواندن گفته است:

نیست از قرآن، کلامی نغزتر  
نیست از قرآن سبزتر  
عالمی روشنتر از قرآن کجاست  
روح این پیغام با جان آشناست  
(همان: ۷۱۱)

در پایان گفته است:

گم نخواهی شد چو با قرآن روی  
میروی تا عرش اگر با آن روی  
(همان: ۷۱۲)

شعر «امشب بهار» در وصف مبعث است:

عیدست و مبعث است و پر از شادی و امید  
روزی که میشود خبر عشق را شنید  
(همان: ۶۳۳)

ابیات زیر از شعر «تاج فخر» در مورد ستایش مقام امام علی (ع) است:

تو همان وسعت بی‌پایانی / که پر از بوی خوش ریحانی / تو چراغ شب این شهر نجیب / تاج فخری به سر انسانی / ...  
صاحب جودی و احسان مولا / دوستی با دل انسان مولا / دست شب هم ز درت بازنگشت / تا نشد مهر درخشان مولا  
(همان: ۸۵۶)

**عرفان:** در محتوای عرفانی، وحیدی با نگاه عارفان به حضور انسان در جهان و سرانجام وی نگریسته است. در این مضمون از هبوط انسان، زندگی در این خاکدان، آینده انسان در جهان و توصیه به رهایی جهان گفته است. او انسان را وجودی الهی میدانند و در برابر عظمت خدایی، خود را هیچ میبیند:

من نیستم خداست که در من دمیده است      از اوست آنچه بر من و این دل رسیده است  
یک ذره خاک بودم و از آن همه فرود      طوفان مرا به اوج تولا کشیده است  
(همان: ۱۴۲)

در شعر «بازیگر» قصه هبوط انسان را آورده است که با فریب شیطان به جهان هبوط کردیم و در پایان شعر میگوید باید توبه کرد:

بگشا در توبه را که بیدار کنی      چشمی که به خواب رفت و عصیانگر شد  
(همان: ۲۳۵)

در شعر «پذیرش پاییز» گفته است با اشتباه پدر (حضرت آدم) از بهشت جدا شدیم:  
ز اشتباه پدر آخر از بهشت برین      جدا شدیم و در این خاکدان اسیر شدیم  
(همان: ۴۵۰)

در این دنیا ناراحت است و آرامش را در این میدانند که از این جهان برود:  
من از این حجم خاکی کی کنم احساس آرامش؟      مگر بر قاف شیدایی بسازند آشیانم را  
(همان: ۶۰)

در شعر «هستی ناگزیر» حضور انسان را در دنیا، هستی ناگزیر مینامد و اظهار بیزاری از جهان میکند:  
شدم سیر از این هستی ناگزیر      و این رنج و درد شدیدی که بود  
(همان: ۲۸۱)

در بیت زیر توصیه به عدم دل بستگی به جهان دارد:  
مکن تکیه امروز بر این جهان      که حس میکنم رو به ویرانی است  
(همان: ۱۵۰)

نکوهش نفس و توصیه به نفس کشی هم در اشعارش بسامد دارد. در ابیات زیر از خداوند خواسته که او را در مسلک شیطان گرفتار نکند و خلق را از گمراهی نجات دهد:

من از قبیله آدم اگرچه بیزارم      ولی به مسلک شیطان مکن گرفتارم  
مخیری تو بکن هرچه را که میخواهی      فقط نجات بده خلق را ز گمراهی  
(۸۰۴)

میگوید هرکس که خدایی نیست مقهور نفس است:  
آنکه پشت دل به یزدان میکند      نفس خود را وقف شیطان میکند  
(همان: ۲۴۷)

در شعر مرگ ستاره گفته است: برخیز / از کعبه شرم کن / بردار سر از بندگی شیطان (همان: ۸۹۷).

**پایداری و دفاع مقدس:** بعد از شعر مذهبی، توجه وحیدی به مضامین پایداری پیرامون دفاع مقدس، وصف وطن، وصف جنگ، شهدا، رزمندگان و بسیجیان است. او در اشعار پایداری در وصف امام خمینی (ره) شعر «مثل باران بود» را، سروده است:

یاد آن پیر ما گرامی باد/ امتداد خط پیمبر بود/ وسعتی از حکایت پرواز/ آسمانی پر از کیوتر بود (همان: ۸۳۰).  
در وصف جنگ، به هجوم دشمن، ویرانی شهرها، مرگ عزیزان، و داغ فرزندان توجه کرده است، مانند اشعار «مرگ خنده‌ها» (۹۰)، «خط مقدم» (۵۵۷)، «ای عراق شعله‌پوش» (۵۳۰)، «کودک پرواز» (۲۳۴)، و «تا همیشه» (۶۴۹).  
در ابیات زیر وقوع جنگ، درگیری شهرها، ویرانی خانه‌ها و تنهایی را توصیف کرده است:

میان حرف من و دل ز پشت حادثه‌ها  
صدای زخمی بمب و خروش خمپاره  
نبود غیر سکوتی سراسر از غوغا  
صدای مخفی وحشت، حضور بی‌پروا  
و حسن ماندن و تنها شدن و در پی آن  
صدای پر زدن عشقها بسوی خدا  
(همان: ۳۸)

در بخشی به سوگ سروده و یادکرد شهدا و توصیف رشادت رزمندگان و بسیجیان پرداخته است از جمله شعرهای: «چفیه‌های سرخ» (۲۹۳)، «صبح می‌آید» (۳۳۴)، «فریاد رود» (۳۳۵)، «مرد آتش‌سوار» (۴۰۳)، «دخترم» (۳۹۷)، «انگشتر رازآفرین» (۴۳۳)، «تاج شهادت» (۵۱۳)، «شاخه‌های منتظر» (۸۹۶)، «مرگ ستاره» (۸۹۷)، «تو کیستی» (۵۴۷)، «از نسل دریادلان» (۵۴۸)، «روح اقیانوس» (۷۱۳)، و «قسم» (۷۶۳).

در شعر «ترنمهای زخمی» در توصیف شهدا گفته است آنها برای پاسداری وطن شهید شدند:

از رتّه پرواز کبوترهای عاشق  
تا مرگ شیها را یکایک برشمارد  
خطی برای پاسداری مانده اینجا  
صبحی پر از امیدواری مانده اینجا  
(همان: ۳۶)

در سوگ شهیدان گفته است همه در ماتم آنها دلشکسته هستند:

سری نماند بر سری که زار و خسته نیست  
ز ماتم شهید خویش دلشکسته نیست  
(همان: ۶۸۴)

گرچه داغ شهدا دارند اما به افتخار آنهاست که چراغ سینه شعله‌ور است:

به افتخار شهیدان چراغ سینه ما  
هنوز گرچه ز داغ است شعله‌ور، سبزیست  
(همان: ۱۵۶)

رزمندگان را آذرخشی نامیده که با جان عاشق به میدان مین میروند:

چنان آذرخشی و میدانم ای جان عاشق  
به میدان مین رهسپاری تو را میشناسم  
(همان: ۴۰۳)

در شعر «خون هابیل» رشادت رزمندگان و شهدا را تعریف کرده و دعوت به پایداری نموده است. در پایان شعر گفته است گرچه امام را از دست دادیم اما علم او همیشه بر بام است:

ما دل تا به ابد عشق حسینی داریم  
پیر ما رفت ولی رایت او بر بام است  
سر به فرمان همان پیر خمینی داریم  
این علم آیت ما بر همه اجرام است  
(همان: ۷۴۵)

موارد اندکی از اشعار پایداریش نیز اختصاص به کشتار مسلمانان جهان دارد. شعر «غزه در خون» در وصف حمله به غزه است. شاعر غمگین است و بدنبال مردی برای سرکوب قدرت شیطان میگردد و مخاطب را دعوت به پایداری میکند:

غزه در خون خفت ای نامردمان      صبر بر این درد جانفرسا کجاست  
 وحدت اعراب را درهم شکست      قدرت شیطان ببین تا ناکجاست  
 غیرت سرخ مسلمانان شکست      خانه آن مرد ناپیدا کجاست  
 (همان: ۱۱۳)

در شعر «فاجعه‌ای نو» در مورد کشتار مسلمانان گفته است: چرا به جرم مسلمانی/ برادران مرا کشتند/ بر این بلا چه کنم بنگر/ که خواهران مرا کشتند/ به هیچ واژه نمیگنجد/ که هول فاجعه سنگین است/ سؤال کن ز جهانخواران/ بگو حقوق بشر این است (همان: ۸۳۲).

در ادبیات دفاع مقدس، وطن از موضوعات مهم اشعار جنگ بود که تقریباً تمام شاعران در قالبهای گوناگون به آن پرداخته‌اند (فیاض‌منش، ۱۳۸۱: ۱۱۸). وحیدی نیز به آن توجه ویژه کرده است، مانند اشعار: «میهنم» (۸۴)، «تو ای شهر من» (۳۹۱)، «خاک وطن» (۶۶۸)، «این وطن» (۲۳۸) «ای عرصه جاوید» (۴۹۷)، «میهن من» (۹۵۰) و «ای ایلام» (۳۶۱) که در مورد ایلام است. در اشعار دیگر نیز به وصف وطن توجه دارد. در بیت زیر از شعر «دعای نیمه‌شب» گفته است:

به اعتلای وطن کوش، سربلندی توست      که خار چشم هزاران حسود خواهد شد  
 (وحیدی، ۱۳۹۰: ۲۳۳)

او اعتلای وطن را از شهدا میدانند:

سقفها به زیر تندبادها شکست و باز      شهر من همیشه جهرم است قامتی که خم نشد  
 زنده است کشورم به یمن نام هر شهید      تا شهید زنده است هیچ از بهار کم نشد  
 (همان: ۲۳۸)

**مضامین غنایی:** در موضوع غنایی، توصیف عشق، اندوه، یأس و ناامیدی و مضامین شخصی دیده میشود؛ البته عشق در اندیشه وحیدی با موضوع مذهب، عرفان و پایداری آمیخته است اما وصف خود عشق نیز در اشعارش وجود دارد. در شعر «با تو» خطاب به عشق گفته است: با تو ای بالهای روشن عشق/ میتوان هر کجای دنیا رفت/ با زلال نگاه شفاف/ میتوان تا به عرش اعلا رفت (همان: ۸۴۲).

اندوه و ناامیدی نیز در شعر او بسامد دارد؛ البته در کلیت سبک فکری، وحیدی شاعر شادی است و خود را در پناه خدا میبیند (همان: ۴۹) و نگاه زیبایین به جهان دارد.

خار هست و گل و گیاه و درخت      کل اجزای این جهان زیباست  
 (همان: ۱۴۵)

اما اندوه زندگی، غم فراق شهدا، نابسامانی وضعیت مردم، گاه او را به یأس از زندگی میکشاند؛ مانند ابیات زیر از اشعار مختلف:

پر از گریه شد چشم مانند ابر      مرا آن دل خنده‌پیما کجاست  
 (همان: ۱۰۹)

بس که درد کهنه مشغول است با من / نام یک انسان مجهول است با من  
(همان: ۴۹۲)

این جهان گویی تماشاخانه درد است و داغ / تا بخواهی جای شادی، غم تماشا میکنم  
(همان: ۴۲۸)

وی اندوه را در زندگی مردم هم میبیند و آرزو دارد که غم از دلها برود:

کاشکی در سفرها غم جا نداشت / دفتر دل شعر دردآوا نداشت  
کاش با ما آسمان یکرنگ بود / خالی از هر رنگ و هر نیرنگ بود  
(همان: ۶۲۹ - ۶۳۰)

او مخاطب را به امید میخواند: برخی / که جزیره بلورین امید / تو را به خویش میخواند / و برگهای شبنم‌پوش لاله خوشبو / برای تو میرقصند (همان: ۸۹۳).

ستایش زن و مادر در اندیشه وی برجسته است. در ستایش مادر، اشعار «مادر سلام» (۱۴۸)، «تو کوثری مادر» (۳۲۸)، مادر (۴۶۸)، و مادر (۶۴۲) را سروده است و در وصف مقام او گفته است:

به شأن و مرتبت و عزت و جلال و مقام / ز هفت قلّه گردون فراتری مادر  
(همان: ۳۲۸)

او در وصف ارزشمندی وجود مادر گفته است:

تو مدیری، لایقی، پرشوکتی / دیده را بگشا تو خود یک دولتی  
دولتی تنها به فرمان خدا / با اساس دین و قرآن خدا  
(همان: ۶۴۵)

وصف طبیعت، بویژه وصف بهار در شعرش بسامد دارد. برای نمونه شعر «شانۀ سبز بهار» در این موضوع است. شاعر در گفتگویی خیالی با بهار، از او میخواهد او را به دل طبیعت ببرد:

دگر نمانده برایم هوای پر زدنی / مرا به شانۀ سبز خود ای بهار ببر  
صدای هلهله باد میرسد برخیز / مرا برای تماشای لاله‌زار ببر  
خدا کند نرسد شعله‌ای به دامن باغ / مرا به دامن آن رود بیقرار ببر  
هزار شکر و هزاران سپاس از دل من / به آن تلاوت زیبای ماندگار ببر  
(همان: ۳۲۳)

**مضامین اجتماعی:** در محتوای اجتماعی، نقد جامعه مردسالار در شعر او برجسته است. وحیدی چند شعر در وصف زن و نکوهش مردان سروده است و کوبنده‌ترین نقد را در شعر «خصلت مردها» گفته است. در این شعر مستقیماً مردان را در مقابل زنان نکوهش میکند که با وجود آنها عرصه بر پاکی دست خدا هم تنگ است.

مینویسند که زن کودن و بیفرهنگ است / در پی جنگ و جدال و هوس و نیرنگ است  
ناقص‌العقل بخوانند زنان را مردان / گرچه تاریخچه مرد سیاه از زنگ است  
به خدا هرچه که گفتند دروغ است دروغ / این جماعت که بلور دلشان از سنگ است  
قتل و غارتگری و ظلم و جنایات عظیم / همه در خصلت مردان فرا فرهنگ است  
بس که کلی شده ابعاد رذالت در مرد / عرصه بر پاکی دستان خدا هم تنگ است  
(همان: ۱۲۴)

شعر «کوچه‌های سرد سکوت» (۸۵۸) در همین مضمون است. در مقابل مرد، زن و مقام مادر را ستایش کرده است:

زن	ای	آیه‌های	بهشت	برین	خداسیرت	پاک	گردآفرین
زن	ای	آفتاب	درخشان	عشق	تویی	رشته سبز	حبل‌المتین
تو	زهرا،	تو	زینب،	تویی	آسیه	تو	مریم تو سارا، تو ام‌البنین
زن	ای	صاحب شوکت	و عزّ و جاه		شکوه	گلستان	سبز یقین

(همان: ۵۰۷)

در شعر «بهار اندیشه» که به پروین اعتصامی تقدیم کرده، او را بهتر از مردان روزگار نامیده است:

ای درخت خرم پر برگ و بار  
 بهتر از مردان مرد روزگار  
 (همان: ۷۷۲)

در شعر «صبح روشن امید» زن را رحمت خداوندی معرفی کرده است:

ای	زن	ای	رحمت	خداوندی	نور	ایمان،	فروغ	خرسندی
ای	زن	ای	صبح	روشن	امید	ای	شکوه	صداقت
								خورشید

(همان: ۷۸۶)

در نگاه وی، مردانی که به جبهه میروند، شایسته ستایش هستند. شعر «بریشم نور» را با عبارت «ای مرد» در وصف چنین مردانی سروده است:

ای	مرد	ای	دیوان	سرخ	روزگاران	ای	قهر	تو	توفنده	تر	از	باد	و	باران

(همان: ۷۵۱)

بعد از نقد جامعه مردسالار، از مردمان جامعه نیز انتقاد کرده است. شعر «تمامتان سنگی» را خطاب به دزدان اقتصادی سروده که اختلاس میکنند:

شما	معاویه‌های	پلید	و	سرمستید	به	فکر	خلق	نه	با	خلق	همسفر	هستید
اسیر	غفلت	بیحد	شدید	میدانید	یزیدهای	مجدد	شدید	میدانید				

(همان: ۷۹۴)

و در پایان شعر میگوید:

چه گویم از دل ناپاکتان؟ که دیوانید  
 و لایقید به آن کیفری که میدانید  
 (همان: ۷۹۵)

در شعر «از آن سوی پرچین» با نگرشی عرفانی، دنیامداران را نکوهش کرده است:

به	یک	دینار	ای	دنیامداران	خدای	مهربان	را	میفروشید
کسی	میخواند	از	آن	سوی پرچین	که	هستی	را	به
..	خداوندان	ظلمت	مرگتان	باد	که	صبح	جاودان	را
								میفروشید

(همان: ۳۰۸)

بخشی نیز انتقاد و دلخوری از مردم است و در شعر «چه نامردید مردم» از مردم روزگار شکایت دارد:



چه نامردید مردم وای بر من / بر این خاکید کژدم وای بر من  
 چه شد یارب که در این حسرت‌آباد / تمام عشق شد گم وای بر من  
 (همان: ۸۴۷)

البته از همراهی مردم با شعرش بسیار خرسند است و شعر «مردم خوبم» را در توصیف مردم و سپاسگزاری از آنها سروده است:

نفس نفس همه را شکر میکنم شب و روز / که یار و همنفس من به هر کجا هستند  
 (همان: ۲۵۷)

او همواره به فکر مردم است: درد من همیشه دردهای مردم است / درد من میان درد دیگران گم است / من برای آفتی دلم گرفته است / که روی خوشه‌های گندم است / درد من برای دستهای پینه‌بسته است / غصه‌ام برای آن دل شکسته است / که هیچکس به داد او نمیرسد (همان: ۹۰۰).

### نتیجه‌گیری

در این مقاله، مجموعه کامل اشعار سیمیندخت وحیدی از منظر سبک‌شناسی بررسی شد. این بررسی با جامعیت شعر وی با تأکید بر شاخصه‌های سبکی وی انجام شد. نتایج بررسی نشان داد وحیدی با زبانی ساده و صمیمی با گرایش به زبان گفتار شعر سروده است. در سطح زبانی، در موسیقی بیرونی و کناری، شاخصه سبکی در شعرش دیده نمی‌شود و وی مطابق عروض شعر فارسی از انواع اوزان کوتاه و بلند و قوافی و ردیفها استفاده کرده است؛ فقط در برخی مثنویها مطابق تحول سبکی وزن مثنوی بعد از انقلاب اسلامی از اوزان بلند استفاده کرده است. برجسته‌ترین ویژگی سبکی وی در سبک لغوی و نحوی، زبان زنانه است. واژه‌های زنانه، و جمله‌های کوتاه و ساده که در گفتار زنانه بارزتر است، در شعر او بسامد دارد. همچنین شاعر حرف «واو» را در آغاز مصرعهای دوم ابیات بسیار تکرار کرده است. در سطح ادبی، تشبیه مفصل، اضافه تشبیهی، تشخیص، اضافه استعاری، سیاقه الاعداد، ترادف، تلمیح، تضاد، ابهام، و حس‌آمیزی برجستگی سبکی دارد. موفقیت وی در استفاده چشمگیر سیاقه‌الاعداد است که با آمیختگی آن با مراعات النظیر و واج‌آرایی زیبایی آفریده است. در سطح فکری، تحولات سبکی بعد از انقلاب اسلامی که در قالبهای شعر فارسی رخ داد در محتوای شعرش دیده میشود؛ از غزل و مثنوی برای اشعار دینی و پایداری استفاده کرده است. بلحاظ سبک فکری، وی شاعر انقلاب و دفاع مقدس است. مضامین مذهبی، پایداری، عرفانی، اجتماعی و غنایی، مضامین برجسته اوست. در موضوع مذهب قرآن خواندن، مرثیه و منقبت ائمه معصومین مورد توجه وی است. در موضوع پایداری وصف جنگ، وطن، شهید، رزمندگان و بسیجیان، پایداری غزه و قدس برجسته است. در موضوع عرفانی به هبوط انسان، توصیه به عدم دل بستگی به جهان و نكوهش دنیاگرایی و نفس‌اماره پرداخته است. در موضوع اجتماعی منتقد جامعه مردسالار است و مقام زن و مادر را ستایش کرده است و در مواردی نیز مردم جامعه بویژه اختلاسگران را نکوهش کرده است. در موضوع غنایی، وصف طبیعت، توصیف عشق، اندوه و یأس، امید و شادی بسامد دارد.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه استخراج شده است. سرکار خانم دکتر منیژه فلاحی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم اکرم جهانگیریان بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی

نقش داشته‌اند. آقای دکتر رضا فهیمی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده‌است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES

- Akbari, Manouchehr. (1992). Critique and Analysis of the Literature of the Islamic Revolution, Volume 1, Tehran: Organization of Cultural Documents of the Islamic Revolution.
- Fayyazmanesh, Parand. (2002). "Study of themes, themes and forms of war poetry", *Persian Language and Literature Research Quarterly*, Vol. 1, pp. 128-113.
- Fotouhi, Mahmoud. (2011). Stylistics, Theories, Approaches and Methods, Tehran: Sokhan.
- Kafi, Gholamreza. (1998). "Watching the Blessed Wounds, A Look at the Evolution of the Poetry Style of the Islamic Revolution", Collection of Articles on Revolutionary Literature and Literary Revolution, Volume 1, Tehran: Imam Khomeini Publishing House.
- Mokhtari, Qasem & Derakhshan, Masoumeh. (2015). "A Comparative Study of Linguistic and Intellectual Style and Analysis of Gender Language in the Poems of Parvin Etesami and Nazak Al-Malaika" *Journal of Comparative Literature* (Arabic-Persian Comparative Studies), No. 17, pp. 105-125.
- Pourolkhas, Shokrollah, Sadeghi, Mehdi. (2011). "Structural Critique of the Masnavi of the Revolution", *Quarterly Journal of Persian Poetry*, No.4, pp. 95-79.
- Sha'iri, Hamidreza & Torabi, Bita. (2012). "Study of production conditions and receiving meaning in discourse communication" *Al-Zahra University Linguistics Quarterly*, Vol. 6, pp. 23-49.
- Shamisa, Sirus. (1999). Generalities of Stylistics, Tehran: Ferdows.
- Vahidi, Simindokht. (1981). "The Transformation that the Revolution Created in Art", Interview with Vahidi, *Jahad Magazine*, No. 28, pp. 38-39.
- Vahidi, Simindokht. (2011). Poetry Divan, Tehran: Iranian Pen Association.
- Zarghani, Mehdi. (2012). The Perspective of Contemporary Iranian Poetry: The Flow of Iranian Poetry in the Twentieth Century, Tehran: Sales.

### فهرست منابع فارسی

اکبری، منوچهر (۱۳۷۱) نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

- پورالخاص، شکرالله و صادقی، مهدی (۱۳۹۰) «نقد ساختاری مثنویهای انقلاب»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) شماره ۴، صص ۹۵ - ۷۹.
- زرقانی، مهدی (۱۳۹۱) چشم‌انداز شعر معاصر ایران: جریان‌شناسی شعر ایران در قرن بیستم، تهران: ثالث.
- شعیری، حمیدرضا و ترابی، بیتا (۱۳۹۱) «بررسی شرایط تولید و دریافت معنا در ارتباط گفتمانی» دوفصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، شماره ۶: صص ۲۳ - ۴۹
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸) کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰) سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، تهران: سخن.
- فیاض‌منش، پرند (۱۳۸۱) «بررسی موضوعات، مضامین و قالب‌های شعر جنگ»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- کافی، غلامرضا (۱۳۷۷) «تماشای زخمهای متبرک، نگاهی به تحول سبک شعر انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات ادبیات انقلاب و انقلاب ادبیات، جلد ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مختاری، قاسم و درخشان، معصومه (۱۳۹۴) «بررسی تطبیقی سبک زبانی و فکری و واکاوی زبان جنسیتی در اشعار پروین اعتصامی و نازک الملائکه»، کاوشنامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)، شماره ۱۷: صص ۱۰۵ - ۱۲۵.
- وحیدی، سیمیندخت (۱۳۶۰) «تحولی که انقلاب در هنر آفرید»، مصاحبه با وحیدی، نشریه جهاد، شماره ۲۸: صص ۳۸ - ۳۹.
- وحیدی، سیمیندخت (۱۳۹۰) دیوان اشعار، تهران: انجمن قلم ایران.

#### معرفی نویسندگان

**اکرم جهانگیریان:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.  
(Email: [akram.jahangirian25@gmail.com](mailto:akram.jahangirian25@gmail.com))

**منیژه فلاحي:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.  
(نویسنده مسئول: [fallahi@iaa-saveh.ac.ir](mailto:fallahi@iaa-saveh.ac.ir))

**رضا فهیمی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.  
(Email: [Fahimi.ltr@gmail.com](mailto:Fahimi.ltr@gmail.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Akram Jahangirian:** PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.  
(Email: [akram.jahangirian25@gmail.com](mailto:akram.jahangirian25@gmail.com))

**Manijeh Fallahi:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.  
(Email: [fallahi@iaa-saveh.ac.ir](mailto:fallahi@iaa-saveh.ac.ir) : Responsible author)

**Reza Fahimi:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.  
(Email: [Fahimi.ltr@gmail.com](mailto:Fahimi.ltr@gmail.com))